نمایشنامه رستم دزد

وحید دستگردی، محمد

از این ببعد بخشی از مجله به نشر،نمایشنامهء رستم دزد اختصاص‏ می‏یابد.دربارهء نویسندهء این نمایشنامه بعدا گفتگو خواهیم کرد ولی‏ انگیزه چاپ این نمایشنامه نامهء استاد جمال‏زاده بود که در تاریخ 23 آذرماه از ژنو فرستاده و طی آن نوشته بودند:

کتاب گرانقدری دربارهء تآتر در ایران

اخیرا کتابی را مطالعه کردم که«بنیاد نمایش در ایران»عنوان‏ دارد و بقلم آقای دکتر ابو القاسم جنتی عطائی در اسفند 1333 شمسی‏ بوسیلهء کتابفروشی ابن سینا در طهران بچاپ رسیده است(در 278 صفحه)

فعلا مقصود ما درینجا معرفی این کتاب نیست ولی همینقدر است‏ که باطلاع علاقمندان به نمایش و نمایشنامه(تآتر و تآترنویسی)در ایران برسانیم که این کتاب واقعا شایان توجه است و مؤلف کوشش‏ بسیار در جمع‏آوری مواد لازمه و تألیف مبذول داشته و زحمت فراوان‏ را بر خود هموار ساخته و کار با اهمیتی را انجام داده است.

کتاب گذشته از«سرآغاز»مشتمل بر 18 فصل است و هر فصلی‏ بجای خود سودمند و آموزنده است و اطلاعات بسیار ارزنده‏ای دربارهء تآتر بما میدهد.

قسمت سوم کتاب عبارت است از چند نمایشنامه که بقلم خود ایرانیان نوشته شده است و باستثنای نمایشنامهء آخر که عنوان«عروسی‏ آحسین آقا»را دارد(و بقلم سید علی نصر است که بحق باید او را پدر تآتر ایران خواند و حق بزرگی بگردن هموطنانش دارد و با طرز و شیوه و اصول نمایشنامه‏نویسی فرنگیها آشنائی بسزائی میداشته‏ است)ما بقی بشیوهء خودمانی که در حقیقت همان سبک و شیوهء تعزیه- نویسی است تألیف یافته و بنظر قاصر راقم این سطور سبکی است که‏ با همه تفاوت و اختلافی که با سبک فرنگی امروز دارد(هرچند امروز هم در فرنگستان در راه ترویج سبکهای جدید که بعضی از آنها بی‏شباهت‏ بهمان سبک و طرز تعزیه‏های خودمانی نیست مساعی مخصوصی بعمل‏ میآید)سبکی مقبول و قابل قبول است و اگر معایبی داشته باشد بدون‏ تردید دارای محسنات بسیاری هم هست که خود فرنگیهای ایران‏شناس‏ آنها را ستوده‏اند.

در قسمت دوم کتاب آقای دکتر جنتی عطائی فهرست بسیار گرانقدری از نمایشنامه‏هائی که تا اسفندماه 1333(مارس 1955 میلادی) بزبان فارسی بچاپ رسیده بوده است آورده‏اند.متأسفانه نمره و شماره‏ ندارد ولی شمرده شد و معلوم گردید که مشتمل است بر 261 نمایشنامه‏ که بعضی از آنها(یعنی اکثریت)بقلم خود ایرانیان نوشته شده است‏ و قسمت دیگری ترجمه از زبانهای خارجی است.لا بد نمایشنامه‏هائی‏ هم از قلم افتاده است که بطوریکه خود آقای جنتی عطائی تذکر داده‏اند امید است که رفته رفته با کمک علاقمندان تکمیل گردد.

منظور اصلی از تحریر این سطور این است که‏ای کاش ادارهء مجلهء«وحید»که خدا را شکر بهمت مدیر کوشان و کاردان و دلسوزش‏ دارای چاپخانه و ادارهء نشر و طبع هم گردیده است و با کمک خود آقای دکتر جنتی عطائی و اشخاص دیگری که در کار ادب و بخصوص‏ تآتر بکمال و تجربهء کافی رسیده‏اند از میان این 261 فقره نمایشنامه‏ آنهائی را که ارزش ادبی و لسانی دارد و از لحاظ فن نمایشنامه‏نویسی‏ (چه بطرز و شیوهء خودمانی و چه بسبک و طریقه فرنگی‏ها)و موضوع‏ (با رعایت نکات اجتماعی و فولکلوری و غیره)بیشتر قابل توجه است‏ بشکل مرغوبی در چند مجلد بچاپ میرساندند.

محتاج بتذکر نیست که نگارنده در حدود مقدرت و نیروی جسمانی‏ و تا جائی که پیری و ضعف اجازه بدهد با نهایت افتخار و مسرت حاضرم‏ در مطالعه متون و اظهار نظر(چنانچه ضرورتی باشد و ان شاء اللّه‏ نخواهد بود)و حتی تصحیح نمونه‏های مطبعه کمک برساند.خدا بخواهد این نیت خیر بهمت حضرت آقای دکتر وحیدنیا جامهء عمل‏ بپوشد که از لحاظ گوناگونی خدمت خوبی بایران و ادب ایران و بجامعهء ایرانی خواهد بود.»

امیدواریم خدا توفیق دهد تا پیشنهاد استاد جمال‏زاده را به مرحلهء عمل درآوریم و از نظر آنکه این کار از جائی شروع شده باشد به نشر نمایشنامهء رستم دزد که نه در کتاب آقای دکتر جنتی عطائی و نه در جای‏ دیگر اسمی از آن برده شده و اصل نسخهء خطی آن در مخزن کتب‏ خطی کتابخانهء مجلس شورای ملی ایران مضبوط است می‏پردازیم و از دوستان دانشمند خود در انجام این خدمت استعانت می‏طلبیم.